



فصل نامهٔ تحلیلی-انتقادی حوزه • شماره بیستم • بهار ۱۴۰۲

بررسی خوانش اقدامات آموزشی آیت‌الله العظمی میلانی قدس سره در حوزه علمیه مشهد بر پایهٔ دو سبک «تاریخ فرهنگ‌نگاری» و «تاریخ فرهنگی‌نگاری»



محمد باغستانی کوزه‌گر
(عضو هیئت علمی پژوهشکده اسلام تمدنی)

مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی یکی از شخصیت‌های مهم در تاریخ روحانیت شیعی در فاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۴ش در عرصه فرهنگ دینی ایران به شمار می‌آید. ایشان اقدامات پُردامنه‌ای را در عرصه بازسازی و به‌سازی نهاد روحانیت به عنوان نهاد ساخت‌وپرداخت و گسترش و مراقبت از فرهنگ دینی و شیعی در ایران به انجام رسانده که هر یک از آنها با درجات متفاوت بر تاریخ تحول این فرهنگ، اثرگذار بوده، به‌گونه‌ای که تاریخ این نهاد را به پیش و پس از خود تقسیم کرده است؛ اما آنچه تاکنون به عنوان تاریخ اقدامات ایشان در مقالات پژوهشگران و مصاحبه با شاگردان ایشان بازتاب یافته و می‌یابد و در قالب سبک «تاریخ‌نگاری کتبی و شفاهی» خود را نمایان ساخته است. گزارش‌ها و دیدگاه‌هایی محدود و سطحی را ارائه می‌کند که ربطی به دانش نویسندگان و نیز مصاحبه‌شوندگان از سرگذشت آن اقدامات ندارد؛ بلکه مربوط به کاستی ذاتی رویکرد تاریخ‌نگاری ایشان است که بر پایه آن به تاریخ‌نگاری (در پژوهش‌ها) یا تاریخ روایی (در مصاحبه‌ها) پرداخته‌اند. در این پژوهش به بررسی تأثیر تاریخ‌نگاری موجود به یکی از مجموعه اقدامات مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی یعنی نظام آموزشی حوزه علمیه مشهد پرداخته شده و ضمن تبیین کاستی‌های آن، تصویری از رویکرد «تاریخ‌نگاری جانشین و پیشنهادی» که می‌تواند ابعاد مغفول‌مانده در تاریخ فرهنگ‌نگاری و فرهنگ‌نگاری موجود را نشان دهد، ارائه شده است.

۱. درآمد و طرح مسئله

شیوه برخورد با گذشته تاریخی هر ملت و سازندگان آن، اهمیت فراوانی در فهم وضعیت اکنون آن جامعه و ملت دارد. گاه این نگرش در سطح گزارش ظاهر وقایع و رخدادهای گذشته باقی مانده و به توصیف آنها بسنده می‌کند و اگر گهگاهی این رویکرد همراه تحلیل و تحلیل هم باشد، اما رویکرد توصیفی بر آن چیرگی دارد. این سبک از تاریخ‌نگاری، مکتب تاریخ‌نگاری ویژه‌ای را در میان تاریخ‌نگاران از عصر باستان تا دوران مدرن برپا ساخته که می‌توان از آن با نام "تاریخ فرهنگ‌نگاری" یاد کرد. در این سبک، به ارائه گزارش آن بخش از فرهنگ یک جامعه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی که حاصل اقدامات کارگزاران و تصمیم‌سازان درجه اول در هر جامعه، تحقق خارجی و عینی می‌یابد، پرداخته می‌شود و چنان‌که گفته شد، رویکردی توصیفی دارد.

نقطه مقابل این رویکرد که در نیمه دوم سده بیستم میلادی در اروپا شکل گرفت، افزون بر گزارش توصیفی رویدادها، می‌کوشد تا مجموعه‌ای از عوامل پنهانی شکل‌گیری هر رخداد بیرونی از قبیل بینش‌ها و نگرش‌ها، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، اراده‌ها و تصمیم‌ها از سوی همه گروه‌های مختلف اجتماعی را هم در گزارش‌های خود نقل کند. از این رو در این رویکرد، وقایع و رخدادها بیرونی، در واقع برون‌دادهای درونی و پنهانی دارند که ریشه رخدادها بیرونی و محصول و معلول

آنها به شمار می‌آیند. از آنجا که اراده‌ها و تصمیم‌ها هم تابعی از بینش‌ها و اندیشه‌ها و تفکرات گروه‌ها و افراد به شمار می‌روند، اینجا است که ذهنیت شکل‌یافته افراد و شخصیت‌ها و جریان‌های فکری را می‌توان به عنوان بنیان اصلی‌تر این بینش‌ها و اندیشه‌ها و تفکرات در نظر گرفت و چون همه افراد، تحت شرایط محیطی مرکب از زمان و مکان و فرهنگ‌های شکل گرفته در اطراف خود زیست می‌کنند، می‌توان به طور ریشه‌ای‌تر واکنش‌های آن را بررسی کرد. این رویکرد به گذشته که با عنوان «تاریخ‌نگاری فرهنگی» از آن یاد می‌شود، به دلیل رویکرد ریشه‌یاب خود به رخدادها و عاملان آنها، از توان تحلیلی و تحلیلی بسیار برتر و نیز عمیق‌تری برخوردار است و می‌تواند دیدگاه‌های کلانی را نسبت به هر رخداد تاریخی سامان دهد.

در این پژوهش، اقدامات مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی در طراحی و ساخت مدارس جدید آموزشی در حوزه علمیه مشهد الرضایی^۱ در مقایسه میان تاریخ‌نگاری فرهنگ و تاریخ‌نگاری فرهنگی (که تاکنون تنها بر پایه منطق تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری فرهنگ نگاشته شده) مسئله پژوهش شده است تا دستاوردهای متفاوت آن بر پایه هر یک از این دو سبک تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری خود را به نمایش گذارد.

۲. توضیح اصطلاحات اصلی و پیشینه پژوهش

تاریخ فرهنگ: کهن‌ترین سبک تاریخ‌نگاری در جهان است که در آن تاریخ وقوع پدیده‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی بزرگ و مهم مانند ظهور و سقوط دولت‌ها و امپراتوری‌ها و طبقات مهم اجتماعی و سیاسی، جنگ‌ها و صلح‌ها، آداب، رسوم و ادوار کلان تاریخی را که فرهنگ جوامع را تشکیل داده و به ثبت رسیده و قابل انتقال به نسل‌های آینده هستند^۱، با رویکرد عموماً توصیفی و اندکی تحلیلی موضوع کار خود قرار داده است.

تاریخ فرهنگی: این قسم از تاریخ با ویژگی‌های خاصی از نیمه دوم قرن بیستم در اروپا رایج شده و سبک تاریخ‌نگاری تازه‌ای را در برابر تاریخ فرهنگ‌نگاری (به‌عنوان یک سبک کلاسیک و پرسابقه در تاریخ‌نگاری) برپا کرد، اما در تاریخ فرهنگی، تنها علل و عوامل ظاهری رخداد بررسی نمی‌شود، بلکه تأمل در درک آمال و انگیزه‌ها و احساسات افراد از طریق اقدامات آنان هم بخشی از موضوع بررسی است. پس فرآیند نقل و تحلیل پدیده‌ها و اقدامات عقلانی محض نیست، چنان‌که نقل وقایع هم تابع بررسی نقش‌آفرینی گروه‌ها و

افراد خاص نیست، بلکه از همه نیروهای ذهنی برای ادراک آن احوال انسانی در همه طبقات اجتماعی، همچون تأویل و تعلیل برای ادراک معنای اقداماتشان برای گذشته و حال و آینده کمک می‌گیرد.^۲

در این پژوهش این ابعاد گسترده تاریخ فرهنگی با گزینش شماری از ویژگی‌هایش، سنگ‌بنای منطق تاریخ‌نگاری برای خوانش اقدامات آموزشی آیت‌الله میلانی در حوزه علمیه مشهد شد. در پیشینه پژوهشی این مقاله می‌توان مقالاتی را درباره اقدامات آموزشی آیت‌الله‌العظمی میلانی با رویکرد «تاریخ‌نگاری فرهنگ» دید که شاید بتوان

جامع‌ترین و پرمنیع‌ترین آنها را در بخشی از مقاله بلند «حوزه علمیه مشهد» (باغستانی، ۱۳۹۳) مشاهده کرد. درباره رویکرد دوم می‌توان به بخشی از مقاله «آیت‌الله‌العظمی میلانی طلایه‌دار حریم و حرمت شیعه»^۳ اشاره کرد که نویسندگان اندکی به رویکرد تاریخ فرهنگی‌نگاری از اقدامات آموزشی آن مرجع نزدیک شده‌اند که طبعاً نیاز به رویکرد مستقل در بررسی اقدامات مذکور با سبک «تاریخ فرهنگی‌نگاری» و مقایسه آن با رویکرد تاریخ فرهنگ‌نگاری است.

مدارس تأسیس شده زیر نظر آیت‌الله میلانی اولین مدارس حوزوی مشهد بودند که در آنها به طور رسمی امتحان برگزار گردید، هرچند این کار در سنت حوزوی چندان شناخته شده نبود. میلانی همچنین به امر تبلیغ دینی اهمیت زیادی می‌داد، از این رو شمار فراوانی از روحانیان به همین منظور تحت اشراف وی ساماندهی و در اوقات مشخصی به نقاط مختلف ایران اعزام می‌شدند و بدون تبلیغات ظاهری، در جهت تقویت بنیه دینی مردم شهرها و روستاها و آگاه کردن آنان از تبلیغات ضد‌دینی و ضداسلامی فعالیت می‌کردند.

۳. بررسی خوانش اقدامات آموزشی آیت‌الله میلانی در سبک «تاریخ فرهنگ‌نگاری»

نخستین سبک رایج در تاریخ‌نگاری (زیست‌نامه‌نگاری) رجال علمی در سبک تاریخ فرهنگ‌نگاری مقالات دائرةالمعارفی قابل رؤیت است که در بخشی از متن یکی از آنها به اقدامات آموزشی آیت‌الله العظمی میلانی پرداخته شده، و بی‌کم‌وکاست در اینجا نقل می‌شود:

«در ۱۳۳۲ش علمای برجسته مشهد در جهت تقویت حوزه و جلوگیری از مهاجرت طلاب بااستعداد و مدرّسان مشهد به شهرهایی چون قم و نجف، با امضای طوماری از سید محمّدهادی میلانی، از نامورترین استادان حوزه نجف که در آن زمان در کربلا به سر می‌برد، درخواست مهاجرت به مشهد و اقامت و تدریس در این شهر کردند.

میلانی در ۱۳۳۳ش به مشهد وارد شد و به دعوت و اصرار علمای بزرگ این شهر در مشهد ماند و در مدت ۲۲ سال در عمل ریاست حوزه علمیه مشهد را برعهده گرفت و علاوه بر قرار گرفتن در جایگاه مرجعیت به‌ویژه پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی- با تأسیس مدارس به سبک جدید و ساماندهی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی حوزه، گام‌های مؤثری در ارتقای کیفی حوزه برداشت. محور درس خارج اصول میلانی مبانی متخذ از استادان اصلی‌اش شیخ محمّدحسین اصفهانی و میرزای نائینی بود. در درس او نزدیک به ۴۰۰ طالب علم قریب‌الاجتهاد شرکت می‌کردند.

میلانی در جهت ساماندهی حوزه، چهار مدرسه تأسیس کرد: مدرسه‌ای برای دروس مقدماتی و متوسطه که خاص آموزش خط و انشا و املا و اندکی ریاضیات و صرف و نحو و منطق بود و آموزش در آن شش سال طول می‌کشید. در ادامه آن شاگردان به مدرسه متون عالی می‌رفتند. در این مدرسه طلاب تحت تعلیم و نظارت استادان به آموختن متون عالی فقه و اصول و کلام می‌پرداختند. در کنار این دروس، دروس جنبی تفسیر و حدیث و نهج‌البلاغه و صحیفه سجّادیه و تاریخ ادیان هم گنجانده شده بود.

این دوره هم پنج سال طول می‌کشید. طلاب، این مرحله را در چهارده دوره آموزشی می‌گذراندند و پاره‌ای از دروس اصلی خود، یعنی زبان عربی و فقه و اصول را نیز بر اساس کتاب‌های تازه تألیفی که خواندن آنها قبلاً در حوزه مشهد مرسوم نبود، مثل کتاب‌های عربی آسان و اصول الفقه مظفر به درس می‌خواندند.

اولین مدرسه که خاص این مرحله بود، تحت عنوان مدرسه آیت‌الله میلانی در ۱۳۴۵ش تأسیس شد. طلاب پس از گذراندن دوره‌های آموزشی این مدرسه، برای مراحل بالاتر تحصیل مخیر بودند که به طور تخصصی به فقه و اصول بپردازند یا به تحصیل در دیگر علوم اسلامی و نیز زبان خارجی - که تخصص در آنها برای یک مبلغ اسلامی ضرورت دارد- مشغول شوند. برای این مرحله دو مدرسه در نظر گرفته

روستاهای و آگاه کردن آنان از تبلیغات ضد دینی و ضد اسلامی فعالیت می کردند.^۴

چنان که مشاهده می شود در این سبک از تاریخ فرهنگ نگاری درباره اقدامات مرحوم آیت الله میلانی در تنظیم نظام آموزشی حوزه علمیه مشهد، گزارش هایی از ریز اقدامات انجام شده در برنامه های مدارس مذکور با استنادات پر شمار نقل گردیده و توانسته مخاطب خود را به وقوع چنین اقداماتی مطمئن سازد. سال تأسیس مدارس و نیز بخش تبلیغی محصلان این مدارس در نقاط مختلف ایران هم به طور کلی در انتهای گزارش آمده است. در کل سبک نگارش این مقاله به دلیل تاریخی بودن موضوع، در چارچوب سنت تاریخ فرهنگ نگاری در ایران و اسلام شکل گرفته و تحلیل و تحلیل بسیار کمی در آن دیده می شود. البته که داده های موجود در آن ظرفیت خوانش های دیگر را دارا هستند.

در مقاله «آیت الله العظمی میلانی طلایه دار حریم و حرمت شیعه»،^۵ سبک نگارش مقاله متفاوت است؛ زیرا نویسندگان با ارائه تحلیل هایی از اقدامات آیت الله میلانی در حوزه علمیه مشهد، توانسته اند ساخت مدارس چهارگانه و نظام آموزشی ویژه در آنها را در ذیل کلیتی به نام "ترویج فرهنگ تشیع" قرار دهند که البته به رویکرد تاریخ فرهنگی نگاری نزدیک است، اما خوانش این اقدامات را با سبک تاریخ فرهنگی نگاری و مقایسه آن با رویکرد تاریخ فرهنگی نگاری

شده بود. یکی مدرسه امام صادق (علیه السلام) که در ۱۳۴۹ش تأسیس شد و به صورت تخصصی به فقه و اصول می پرداخت و طلاب آن لازم بود در پایان هر سال درسی رساله ای در موضوعاتی که خوانده بودند، ارائه کنند. دوره این مدرسه چهار سال بود. دیگری مدرسه عالی حسینی بود که آن هم در ۱۳۴۹ش تأسیس شد و طلاب آن به صورت تخصصی به تحصیل در علوم از قبیل حدیث و تفسیر و کلام و فلسفه و تاریخ و تاریخ ادیان می پرداختند و در کنار این دروس ضمن یادگیری یک زبان خارجی، در زمینه سخنرانی و مناظره هم تخصص می یافتند. طول این دوره هم چهار سال بود. این مدرسه تحت اشراف گروهی متشکل از برخی مدرّسان برجسته حوزه و بعضی از استادان دانشگاه اداره می شد. در برنامه درسی این مدارس موادی گنجانده شده بود که پیش از آن دست کم در حوزه مشهد سابقه نداشت.

به نظر می رسد مدارس تأسیس شده زیر نظر آیت الله میلانی، اولین مدارس حوزوی مشهد بودند که در آنها به طور رسمی امتحان برگزار گردید، هرچند این کار در سنت حوزوی چندان شناخته شده نبود. میلانی همچنین به امر تبلیغ دینی اهمیت زیادی می داد، از این رو شمار فراوانی از روحانیان به همین منظور تحت اشراف وی ساماندهی و در اوقات مشخصی به نقاط مختلف ایران اعزام می شدند و بدون تبلیغات ظاهری، در جهت تقویت بنیه دینی مردم شهرها و

که هدف آن، آورده‌های تبیینی بیشتر و برتر است که در این پژوهش هدف اصلی شده، تأمین نمی‌کند.

۴. خوانش اقدامات آموزشی آیت‌الله میلانی و آثارش در سبک تاریخ فرهنگی‌نگاری

در این خوانش، اقدامات آموزشی آیت‌الله میلانی بر پایه سبک تاریخ فرهنگی‌نگاری با استناد به ویژگی‌های گسترده‌اش، از سطح گزارشی با داده‌های فراوان و تحلیل‌های اندک فاصله گرفته که با رویکرد علت‌یابانه و انگیزه‌شناسانه ایده و اقدامات آموزشی ایشان را هدف قرار داده و می‌کوشد تا آنچه را در پس پشت این ایده و دغدغه است (و از پس سال‌ها حضور در اندیشه ایشان سرانجام در حوزه علمیه مشهد لباس تحقق به تن کرده)، واکاوی کند و از این ظاهر بیرونی به آن باطن درونی دری بگشاید و خوانندگان خود را با آن رازهای نهفته آشنا نماید، یعنی آنچه که در گزارش‌های نگاشته‌شده بر پایه سبک تاریخ فرهنگ‌نگاری دیده نمی‌شود.

با این مقدمه، ۲ تحول مهم در گزارش‌گری اقدامات ایشان رخ خواهد داد که عبارتند از:

۱-۴. معلول‌دیدن گزارش‌های تاریخ فرهنگی‌نگاری

در سبک تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، آنچه بر اساس مکتب تاریخ فرهنگ‌نگاری گزارش شده و در بخش پیشین نقل شد، تنها بخش ظاهری وقوع این اقدامات است که محسوس

و قابل دیدن برای همگان بوده است، اما در سبک تاریخ فرهنگی‌نگاری همه این گزارش، در چارچوب معلول‌ها و محصول‌ها و مدلول‌ها قرار می‌گیرد نه بیشتر از آن. و حکایت‌گر علل و عوامل و دلایل دیگری هستند که در پس پشت آنها قرار گرفته‌اند که در این سبک گزارش‌دهی موجود بر پایه تاریخ فرهنگ‌نگاری از آنها خبری نیست.

البته گاهی در همین گزارش هم می‌توان شاهد علت‌یابی‌هایی از بعضی از اقدامات انجام گرفته بود؛ مثلاً در نوبودن قانون برقراری امتحان در مدارس جدید چنین تعلیل شده که «در سنت حوزوی امتحان شناخته شده نبود». اما این علت‌یابی، هم صحیح است و هم ناکافی؛ زیرا نمی‌تواند ضرورت برپایی امتحان را که با نظر به آسیب‌های ناشی از فقدان برنامه امتحانی در سنت موجود حوزه، آمده تا به یک سنت جدید آموزشی فارغ از آن آسیب‌ها در حوزه مبدل شود، توضیح دهد. با همین قیاس علت‌یابی می‌توان گفت که تقسیم‌بندی طلاب از نظر سطح درسی و مدرسی ویژه هر یک نیز چون در حوزه وجود نداشته، مورد توجه و اهتمام مرحوم آیت‌الله میلانی قرار گرفته و علت اصلی اهتمام ایشان به ابداع آنها بوده، اما در اینجا علت‌یابی بسیار سطحی صورت گرفته و نمی‌تواند دریافت عمیق و ژرفی را از مجموعه این اقدامات به مخاطب منتقل نماید.

۲-۴. لزوم مدلل کردن اقدامات آموزشی آیت‌الله میلانی در حوزه علمیه مشهد

معلول و محصول دیدن گزارش‌های تاریخ فرهنگ‌نگارانه از اقدامات آیت‌الله میلانی پژوهشگر را وامی‌دارد تا برپایه گزارش تاریخ فرهنگ‌نگاری درصدد چرایی اقدامات انجام‌شده برآید. اینجا است که محقق باید چرایی‌ها و دلایل آنها را در ذهنیت ایشان جستجو کند و متوجه این نکته باشد که بازیابی ذهنیت افراد (به‌ویژه افراد شاخص و دانشوری چون ایشان) که بخش مهمی از آنها قابل رؤیت بیرونی نیست، تنها از طریق توجه به این واقعیت است که آنها در چه وضعیتی از فضای سیاسی-اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی می‌زیسته‌اند و با چه مسایل و نیازهای خرد و کلانی روبه‌رو بوده‌اند که چنان ایده‌ها و اقدامات بنیادی را به عنوان راه حل برگزیده‌اند که با نداشتن تصویری از آنها نمی‌توان دلایل یا چراهای اقدامات ایشان را دریافت.

در ادامه برای مدلل کردن اقدامات آموزشی معظم‌له، فشرده‌ای از شرایط و فضاهای تأثیرگذار بر اندیشه مرحوم آیت‌الله میلانی ارائه می‌شود تا به‌تدریج تصویر مورد نیاز

برای دریافت عمیق‌تر از دلایل اقدامات ایشان دریافت گردد.

۱-۲-۴. تقابل با گفتمان فرهنگی ایران در عصر پهلوی دوم

یکی از دلایل اقدامات آموزشی آیت‌الله میلانی را باید در شرایط فرهنگی ایران در عصر زعامت ایشان دانست. این نکته را که ایشان به آن شرایط توجه کامل داشته، می‌توان از حساسیت فوق‌العاده ایشان در برابر رژیم پهلوی و شخص شاه و اقدامات او و عدم ملاقات با وی در قالب اعلامیه‌ها و پیام‌ها، به‌روشنی دریافت (رفتاری که ایشان را در برابر روحانیونی قرار می‌داد که ارتباط خوبی با حکومت پهلوی داشتند).^۶

گویا آیت‌الله میلانی با این رفتار نارضایتی خود از گفتمان رسمی فرهنگی کشور (احیای فرهنگ ایران باستان-ترویج فرهنگ غربی) در حکومت پهلوی که شخص شاه، نماد و مروج آن بود، آشکارا اعلام می‌کرد. چپستی آن شرایط ناپه‌نجار فرهنگی، موضوع پژوهش‌های فراوانی قرار گرفته که در این پژوهش به بیان بخشی از دستاوردهای یکی از آنها برای توصیف وضعیت فرهنگی بسنده می‌شود:

«در عصر پهلوی دوم، به‌ویژه در دو دهه

یکی از دلایل اقدامات آموزشی آیت‌الله میلانی را باید در شرایط فرهنگی ایران در عصر زعامت ایشان دانست. این را که ایشان به آن شرایط توجه کامل داشته، می‌توان از حساسیت فوق‌العاده ایشان در برابر رژیم پهلوی و شخص شاه و اقدامات او و عدم ملاقات با وی در قالب اعلامیه‌ها و پیام‌ها، به‌روشنی دریافت. گویا آیت‌الله میلانی با این رفتار نارضایتی خود از گفتمان رسمی فرهنگی کشور (احیای فرهنگ ایران باستان-ترویج فرهنگ غربی) در حکومت پهلوی که شخص شاه، نماد و حامی و مروج آن بود، آشکارا اعلام می‌کرد.

پایانی آن گفتمان فرهنگ رسمی در کشور بر پایه احیای ایران باستان-فرهنگ غربی بود. این گفتمان از همه ابزارهای خود برای حذف هویت اسلامی ایران سود می‌برد و می‌کوشید تا پروژه یکسان‌سازی فرهنگی را دنبال کند. از سوی دیگر گفتمان‌های خُرد فرهنگی هم بی‌کار نبودند و با انجام یک سلسله از اقدامات تعاملی و تقابلی با گفتمان فرهنگی حاکم کوشیدند تا ضمن حفظ هویت خود، در احیا و بازسازی آن بکوشند. روحانیت به عنوان یکی از ریشه‌دارترین گفتمان‌ها در جامعه ایران نیز در عرصه این اقدامات کنش‌گرانه اجتماعی حضور داشت و به تناسب اقدامات خود کنش‌گری‌های بایسته و متناسب با موقعیت فرهنگی خویش را انجام می‌داد.^۷

بر اساس این پژوهش و نتیجه آن، اقدامات مرحوم آیت‌الله‌العظمی میلانی در زمینه تحول نظام آموزشی حوزه علمیه (به‌عنوان نماد فرهنگ اسلامی-شیعی) در این فضا کاملاً قابلیت استدلال دارد و می‌تواند بخشی از چرایی این اقدام را توضیح دهد و آنها را در تقابل با گفتمان فرهنگ رسمی کشور، تصویرنمایی کند.

۲-۲-۴. موقعیت حوزه علمیه مشهد به

هنگام ورود آیت‌الله میلانی

بر پایه همه گزارش‌های موجود، نظام آموزشی حاکم بر حوزه‌های علمیه شیعه در نجف و کربلا و قم و مشهد که مرحوم آیت‌الله‌العظمی میلانی در اکثر آنها زیسته

بود و یا برای زیارت به آنها سر زده بود (مانند حوزه علمیه قم)، از وضعیت بهینه‌ای در نظام آموزشی برخوردار نبودند.

ایشان از جوانی متوجه این کاستی بزرگ شده و کوشش برای اصلاح آن را دغدغه خود قرار داده بود و به بعضی مراجع اعلی چون مرحوم استاد خود آیت‌الله‌العظمی کمپانی و مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی داده و پاسخ حمایت‌آمیزی دریافت نکرده بود، اما سال‌ها با این دغدغه زیسته بود و در پی فرصتی برای اجرای آن بود.

در یک نگارش جدید که در این پژوهش در صفحات پیشین به آن استناد شد، دراین‌باره چنین آمده است:

«حوزه علمیه مشهد از سال ۱۳۲۰ش به یک ثباتی رسیده بود. این وضعیت جدید مرهون کوشش‌های سه شخصیت علمی، یعنی میرزا احمد کفایی و شیخ مرتضی آشتیانی و میرزامهدی اصفهانی بود. کفایی (فرزند آخوند محمدکاظم خراسانی) پس از تعطیلی حوزه علمیه مشهد در عصر رضاخانی و مهاجرت بسیاری از استادان و طلاب و تبلیغات ضد‌مذهبی توده‌ای‌ها در فضای آزاد اوایل سلطنت پهلوی دوم، با تکیه بر جایگاه و پشتوانه دینی، علمی و خانوادگی خود و با جلب اطمینان حکومت، مدارس و موقوفات آنها را از دولت پس گرفت. با اجاره‌بندی موقوفات مدارس و تعیین متصدی برای آنها و هزینه‌کردن عایدات در مخارج مدارس و استادان و طلاب، و دعوت از بعضی از عالمان

دینی مشهد، همه و همه نشان از احیای جریان علمی داشت که با اقدامات رضاشاه در این حوزه مختل شده بود، در آستانه ورود آیت‌الله العظمی میلانی بستر مناسبی برای اقدامات جدید ایشان فراهم می‌کرد.^۸

چنان‌که ملاحظه می‌شود و در این گزارش هم به آن تصریح شده، همه این کوشش‌های بسیار مغتنم شماری از بزرگان حوزه علمیه مشهد به سروسامان دادن دوباره مدارس و پیدایش شرایط مطلوب برای بازگشت علما و طلاب به مشهد برای تحصیل بر سبک و سیاق پیش از عصر پهلوی اول معطوف بود و تبعاً توجهی به ایجاد تغییر و تحول در خود نظام آموزشی موجود جلب نشده بود؛ اما آن استقرار حوزه، فضای مناسب برای اجرای ایده مورد نظر آیت‌الله میلانی درباره نظام آموزشی جدید را فراهم می‌کرد.

۲-۳. باور به وابستگی جلال واقعی بارگاه رضوی به ایجاد تحول در نظام آموزشی حوزه

احساس مسئولیت دینی در برابر نهاد حوزه می‌تواند اشکالی داشته باشد. فی‌المثل همت‌گماشتن و تحصیل علوم دینی و تشکیل یک حوزه درسی عالی که همواره در تاریخ حوزه‌های علمیه شیعی، توجه زیادی را به خود معطوف داشته است و ناموران علمی پرشماری را در تربیت نموده که بهترین گواه این ادعا، مجموعه سرگذشتنامه‌های پرشماری است که در سده‌های مختلف

دیگر شهرها به مشهد، روند بازگشت استادان و طلاب شتاب گرفت.

میرزاهمدی اصفهانی (د ۱۳۲۵ش) از شاگردان میرزای نائینی، با تشویق شماری از طلاب، مدرسه نواب را از دست دولت بیرون آورد و درس خارج خود را در آنجا برگزار کرد. او بنیانگذار مکتب معارفی شد و توانست استادان و طلاب پُرشماری را جذب دیدگاه خود کند.

برپایی مجدد درس خارج شیخ مرتضی آشتیانی و نیز فضلی دیگری چون حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ مجتبی قزوینی و نیز شیخ کاظم مهدوی دامغانی در کنار دروس ادبیات عرب با استادانی چون میرزااحمد مدرس یزدی و میرزا محمدتقی ادیب نیشابوری و عالمی چون سید یونس اردبیلی، رخداد بازگشت مقتدرانه آیت‌الله حاج آقا سید حسین قمی از عراق به ایران و استقبال گسترده از ایشان در شهرهای مختلف تا مشهد و موافقت دولت پهلوی با درخواست‌خواهی ایشان همچون نقض قانون ممنوعیت حجاب برای زنان، بازگرداندن موقوفات غصب‌شده مدارس دینی، انحلال مدارس مختلف و قرارگرفتن آموزش قرآن و تعالیم شرعی در برنامه درسی مدارس دولتی و... و نیز اقامت سه‌ماهه آیت‌الله العظمی بروجردی در مشهد و فتوای مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی مبنی بر نفرستادن وجوهات شرعی به نجف و هزینه‌کرد آنها در حوزه علمیه خراسان که گزارش‌هایی جداگانه از مبالغ اختصاص‌یافته به مدارس علوم

به این موضوع اختصاص یافته است، مجموعه‌هایی چون اعیان الشیعه و جز آن که می‌توانند نمایی از این اهتمام بزرگ را نشان دهند، اما احساس مسئولیت در برابر ساختار آموزش و شیوه‌های آموزشی و مواد آموزشی و ضوابط پذیرش طلبه و تنظیم سطوح درسی و... در هر دوره تاریخی نهاد حوزه، همواره همت‌های کمی را به خود معطوف داشته است. احساس مسئولیت نخست، یک احساس فردی است و احساس مسئولیت دوم، یک احساس سازمانی و تشکیلاتی است، و طبیعی است که این دو حس مسئولیت در سطوح مختلف با هم تفاوت دارند. برخورداری از این احساس، دارنده آن را از دیگر حوزویان جدا می‌ساخت.

یکی از جملات کلیدی به‌یادگارمانده از مرحوم آیت‌الله میلانی که در مصاحبه با آیت‌الله وحید بیان شده، آن است که جلالت واقعی بارگاه رضوی را نه در قبه طلاداشتن، بلکه در حوزه علمیه‌ای مناسب

با این مقام اعلام کرده^۱ که نشان از حساسیت نوع دوم ایشان نسبت به حوزه علمیه است.

این ذهنیت، حکایتگر توجه ویژه ایشان به حضرت رضا (علیه السلام) به عنوان «عالم آل محمد (علیهم السلام)» است که بخشی مهم از فرهنگ علم‌پرور تشیع را در بیش از یک هزاره به نمایش گذاشته

و سطح بالای احساس مسئولیت ایشان را نشان داده و نگرش ویژه ایشان را به حوزه علمیه چه در عراق (نجف و کربلا) و چه در ایران (قم و مشهد) تکثیر می‌کند، یعنی قبه‌های طلای مزارات ائمه (علیهم السلام) در این سه شهر را هرگز نشان عظمت و جلال صاحبان آن مزارات نمی‌دانسته، بلکه حوزه مناسب با آن مقام را مایه شکوه و جلال به شمار می‌آورده است.

۵. هنگامه مناسب عملیاتی‌کردن ایده تحول در نظام آموزشی حوزه علمیه در مشهد

با اینکه آیت‌الله میلانی در سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۴۵ ش در شهر مشهد اقامت داشت، اما در آن بازه زمانی اقامت و استقرار، در اندیشه عملیاتی خود شتاب به خرج نداد و منتظر فراهم‌آمدن تدریجی شرایط و لوازم بایسته برای آن اقدام مهم ماند. این بردباری، حاصل آگاهی‌های آن فرزند و تربیت‌شده حوزه علمیه از فرآیند پیچیده موقعیت‌یابی‌های علمی و اجتماعی در این نهاد دینی شیعی بود.

فرآیند موقعیت‌یابی دینی و اجتماعی ایشان در حوزه علمیه مشهد به قرار زیر است:

۱-۵. چگونگی اقامت دائم آیت‌الله العظمی میلانی در مشهد الرضا (علیه السلام)

ایشان به قصد زیارت حرم حضرت رضا (علیه السلام) به مشهد سفر

یکی از جملات کلیدی یادگارمانده از مرحوم آیت‌الله میلانی که در مصاحبه با آیت‌الله وحید بیان شده، آن است که جلالت واقعی بارگاه رضوی را نه در قبه طلاداشتن، بلکه در حوزه علمیه‌ای مناسب با این مقام اعلام کرده که نشان از حساسیت نوع دوم ایشان نسبت به حوزه علمیه است.

و تبعاً توقع برپایی یک حوزه درسی ویژه در مشهد، راز بزرگ آن استقبال ویژه از ایشان بود. ایشان هم به این درخواست، لبیک گفت و تدریس خارج فقه و اصول را آغازید. پیامدهای مهم این تدریس بیش از یک دهه تا قبل از عملیاتی کردن ایده تحول در نظام درسی حوزه، هم موجب آشنایی متقابل میان استاد و شاگردانش را فراهم آورد و هم کیفیت علمی تدریس ایشان برای شاگردانش آشکار شد. ارتباطات متقابل میان ایشان با شاگردان و دیگر اقشار مردم مشهد دیگر ابعاد وجودی ایشان را در عمل نشان داد و سرانجام هم بر آگاهی‌های عینی ایشان از وضعیت علمی و فرهنگ دینی در حوزه علمیه مشهد افزود. حوزه‌ای که در آن دهه گرفتار تفرقه‌های سیاسی، اعتقادی و سنتی-مدرن بود و هیچ‌گونه نقطه وفاقی نبود که بتواند آنها را گرد هم آورد، تبعاً مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی را در تأسیس نظام آموزشی جدید در حوزه علمیه مشهد مصمم‌تر کرد.

۳-۵. وقوع بحران مرجعیت در ایران پس

از رحلت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی
آیت‌الله العظمی بروجردی که در سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۴۰ش با شیوه خاص ارتباط خود با نظام سیاسی پهلوی و اقدامات مهم در حوزه علمیه قم و تبدیل کردن آن به کانون ارتباطات جهانی تشیع^{۱۰}، به مرجعیت دینی مطلق دست یافته بود، با رحلتش مرجعیت دینی تشیع را دچار بحران کرد و زمینه ظهور مراجع متعدد را فراهم آورد. این وضعیت هم

کرد و گویا قصد اقامتی بیش از چهل روز در این شهر نداشت، اما با پخش خبر ورود ایشان به شهر، اندک‌اندک فضایی حوزه علمیه مشهد که از طریق علمای نجف‌رفته و کربلادیده و گزارش‌های آنان، از شهرت مرحوم آیت‌الله میلانی آگاه شده بودند، به صرافت دعوت از ایشان برای اقامت دایم در این شهر افتادند و با مشورت‌های مثبتی که از استادان حوزه علمیه مشهد در این باره گرفتند، ایشان را وادار به بازگشت از تصمیم خود مبنی بر اقامت موقت نمودند.

استقبال از عالمان و دانشوران علوم گوناگون در شهرها در تاریخ تمدن اسلامی، نشان از هنجارشدن علم در آن شهرها داشته و هر اندازه این استقبال گسترده‌تر بوده، علم‌دوستی را در آن شهرها به عنوان یک ارزش بالا نمایش می‌داده است. گویا این استقبال چنان سترگ و عظیم بوده که مرحوم آیت‌الله میلانی را وادار به استقبال از این پیشنهاد کرده و به احتمال ایشان را لدی‌الورود به مشهد الرضا^{علیه السلام} با هدف عملیاتی کردن ایده خود مقیم این شهر گردانیده است.

۲-۵. اقدام به تدریس بالاترین سطوح

درس‌های حوزوی (خارج فقه و اصول)

اقامت تنهای یک عالم و دانشور حوزوی نمی‌توانست شهرتی برای او در میان فضایی حوزوی به بار آورد، به‌ویژه برای ایشان که از معدود شاگردان به‌نام دو استاد صاحب‌نام نجف (آیات عظام اصفهانی و نائینی) بود

از سوی حکومت پهلوی که بی‌تمایل به انتقال مرجعیت شیعی به عراق نبود، به فال نیک گرفته شده و پیام تسلیت خود را نه برای مراجع ایران (به‌ویژه در قم)، بلکه به نجف و برای مرحوم آیت‌الله‌العظمی سید محسن حکیم فرستاد.^{۱۱}

اما حوزه درسی آیت‌الله میلانی در مشهد با برخورداری از حدود یک دهه برپایی، به آن اندازه از شهرت رسیده بود که زمینه تبلیغ را برای مرجعیت اعلای ایشان فراهم آورد. حمایت بی‌چون‌وچرا و فوق‌العاده علامه طباطبائی در تشویق و ترغیب اهل فضل حوزه علمیه قم برای رفتن به مشهد الرضایی^{۱۲} به جای نجف و اعلام اعلم‌بودن ایشان و حضور فصلی خود ایشان در مشهد در جلسه تدریس آیت‌الله میلانی،^{۱۳} از حمایت‌های تأثیرگذار ایشان در تثبیت مرجعیت اعلای مرحوم آیت‌الله میلانی بود.

۴-۵. تأثیر احراز مقام مرجعیت اعلی بر عملیاتی‌کردن ایده تحول نظام آموزشی حوزه

رو کردن مقام مرجعیت اعلی در مشهد به مرحوم آیت‌الله میلانی (بدون کوشش ویژه‌ای از سوی ایشان برای رسیدن به این مقام)، خبر از هنگامه عملیاتی‌کردن ایده تحول نظام آموزشی را با خود به همراه آورد؛ زیرا خود این موقعیت و منصب افزون بر افزایش موقعیت اجتماعی ایشان در میان مردم، بر شمار مقلدان ایشان هم می‌افزود و دایره ارتباطات مردمی را با ایشان و بیت ایشان گسترده‌تر می‌کرد. در این میان دو

پدیده بسیار مهم و پررونق به سوی ایشان روانه شد، دو پدیده‌ای که از عوامل اقتدار دینی و اجتماعی ایشان هم می‌شد.

آن دو پدیده عبارت بودند از:

۵-۱۴. مشروعیت اجتماعی صدور فتوا

صدور فتوا به عنوان نظر نهایی مجتهدان در باب تکالیف دینی مقلدان خود، در یک مرحله شخصی است که بر پایه کسب درجه اجتهاد به دست می‌آید و در مرحله دیگر تابع یافتن وجاهت اجتماعی. وجاهت اجتماعی هم هنگامی ظهور می‌کند که شهرت مجتهد به عنوان مرجع تقلید توسط شاگردانش در جامعه دینی پخش شده باشد. و چون دسترسی مستقیم به مراجع همواره ممکن نیست، نگارش کتاب‌هایی با عنوان «رساله» که حاوی فتوای هر یک از مراجع تقلید در باب مسایل مختلف فقهی مورد نیاز مقلدان است، رفته‌رفته باب شده است.

مجتهد می‌توانست بر پایه آگاهی‌های فقهی خود "فتوا" صادر کند، چنان‌که می‌توانست در پی پرسش‌های مردم یا به اصطلاح "استفتاء" آنان، فتوا صادر نماید. در هر صورت بر مقلدان آن مجتهد عمل به فتوای او که در قلمرو "احکام خمس" بود، واجب یا حرام یا مکروه یا مستحب و یا مباح اعلام می‌شد. اما نکته مهم فتوا برای مفتی از باب موقعیت مهمی بود که در میان مردم و مقلدان به عنوان مرجع به دست می‌آورد و رهبری دینی و تبعاً اجتماعی مراجع بر مردم را برای آنان شکل می‌داد.

یکی از موارد مهم مصرف وجوهات شرعی که با عنوان «سهم امام (علیه السلام)» از خمس برداشت می‌شد، ویژه ساخت مدارس و مراکز علمی و طبقات دانشوران مشغول به تحصیل و تدریس اعم از استادان، طلاب درس‌آموز و خدمه آن مراکز و هزینه‌های مربوط به نگهداری و تجهیزشان بود. در پی دستیابی مرحوم آیت‌الله میلانی به این دو امکان معنوی و مادی، شرایط برای عملیاتی‌سازی ایده تحول نظام آموزشی حوزه علمیه مشهد فراهم آمد.

۶. آورده‌های خوانش تاریخ فرهنگ‌نگارانه از اجرای تحول نظام آموزشی حوزه مشهد

در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۹ش، چهار مدرسه مقدماتی، سطوح اولیه، سطوح عالی، دوره تخصصی فقه و اصول و دوره تخصصی علوم اسلامی (مدرسه عالی حسینی) پنج پایه تحصیلی علوم حوزوی پایه‌گذاری شد که دارای ویژگی‌هایی چون آموزش زبان انگلیسی برای گفتگوهای دینی با انگلیسی‌زبانان، اعمال روش آموزشی نوین و بهره‌گیری از ابزار کمک آموزشی چون تخته‌سیاه و صندلی و...، نام‌نویسی و تشکیل پرونده برای داوطلبان، برگزاری امتحانات فصلی و ارزشیابی، حضور

استقبال از عالمان و دانشوران علوم گوناگون در شهرها در تاریخ تمدن اسلامی، نشان از هنجارشدن علم در آن شهرها داشته و هر اندازه این استقبال گسترده‌تر بوده، علم‌دوستی را در آن شهرها به عنوان یک ارزش بالا نمایش می‌داده است. گویا این استقبال چنان سترگ و عظیم بوده که مرحوم آیت‌الله میلانی را وادار به استقبال از این پیشنهاد کرده و به احتمال ایشان رالبدی‌الورود به مشهد الرضایی با هدف عملیاتی کردن ایده خود مقیم این شهر گردانیده است.

فتوای حرمت تنباکو در تاریخ معاصر ایران که از مقدمات مشروطیت به شمار می‌آید، یکی از مصادیق مهم اثرگذاری فتوا به شمار می‌آید.^{۱۳}

اعلام مرجعیت مرحوم آیت‌الله میلانی چون با استقبال عمومی مردم مواجه شد، مرجعیت اعلای ایشان را خواسته یا ناخواسته تثبیت کرد.

۴-۵. ارسال وجوهات شرعی (خمس، زکات و نذورات و کفارات)

دومین اثر رسیدن به عنوان مرجعیت، به‌ویژه مرجعیت اعلی

برای واجدان این منصب همراه با سرازیر شدن وجوهات شرعی به دفاتر آنان بود که البته به تناسب اعتبار دینی و اجتماعی آنان که بر شمار مقلدانشان در میان طبقات مختلف مردم تأثیر داشت، موارد و مبالغ این وجوهات نیز کم و زیاد می‌شد. مراجع عموماً افرادی را به سمت مسئول دریافت و ثبت مبالغ این وجوهات می‌گماشتند که هم آنان یا همکارانشان پس از تقسیم وجوهات (به دلیل مصارف متعددی که داشتند)، آن مبالغ را میان واجدان شرایط دریافت از جمله سادات فقیر و طلاب علوم دینی و مصارف خیریه دیگر همانند بناهای عام‌المنفعه، بر اساس فتاوی هر یک از مراجع پخش می‌کردند.

و غیاب طلاب، پرداخت کمک هزینه تحصیلی به طلاب این مدارس، امور فوق برنامه مانند جلسات مقاله‌خوانی و تقویت بنیه خطابه و سخنرانی، و سفرهای یک روزه تفریحی به بیلاقات اطراف مشهد بود.^{۱۴}

در مصاحبه یکی از شاگردان دست‌اندرکار برنامه‌های آموزشی مدرسه عالی حسینی آیت‌الله میلانی، از استفاده از تجربه دانشگاه در برنامه‌ریزی درسی دروس جانبی، و تغییر بعضی از متون درسی رایج در حوزه تا آن زمان یاد شده است.^{۱۵} آنچه در گزارش برنامه

تحولی نظام آموزشی حوزه به طور فشرده آمد، بر پایه مکتب تاریخ فرهنگ‌نگاری بود که مطابق انتظار تحلیل و تعلیل کمتری در آنها راه دارد، اما از جنبه توصیفی پُر داده است و ضمن اثبات اصل وقوع چنین رخدادی، نیاز استنادی پژوهشگران را برطرف می‌سازد.

۷. آورده‌های خوانش تاریخ فرهنگی‌نگارانه از اجرای تحول نظام آموزشی حوزه مشهد

آورده‌های اقدامات آیت‌الله میلانی در تحول نظام آموزشی حوزه علمیه مشهد با خوانش تاریخ فرهنگی‌نگارانه در قیاس با خوانش تاریخ فرهنگ‌نگارانه تفاوت بسیاری دارد و می‌تواند

دلایل اصلی انجام این اقدامات را که مبتنی بر بخش‌های پنهانی ایده قرار گرفته در پس پشت آنها، و مستقر در ذهنیت مرحوم آیت‌الله میلانی است، آشکار سازد. مهم‌ترین تصویرهای تحلیلی از آورده‌ها عبارتند

از:

۱-۷. استقرار حاکمیت نظم بر فضای تحصیلی

زمان و زمان‌بندی پدیده‌های اجتماعی که یکی از آنها دانش‌آموزی است، از نخستین ویژگی‌های اجراپذیرکردن برنامه‌ها است که با توجه تأثیر اجتماعی این زمان‌بندی در جامعه، به‌ویژه در برنامه‌های آموزشی که در ارتقای سطح کمی و کیفی فرهنگ جامعه تأثیر به‌سزایی دارند، باید در متن و پیوست هر طرح و برنامه‌ای از این سنخ دیده شده باشد.

تا پیش از برپایی این مدارس، تعریف روشن و مشخصی از مقاطع تحصیلی به‌ویژه زمان‌مندی مشخص آنها در مدارس حوزوی وجود نداشت و به همین دلیل، طلبه می‌توانست برای مدت نامحدودی از زمان در هر یک از سطوح تحصیلی بماند و ارتقای رتبه علمی و کارآمدی‌های لازم برای ایفای مسئولیت‌های

تغییر متون درسی به متون درسی روان‌نشان از این واقعیت می‌داد که آیت‌الله میلانی و همکاران ایشان متوجه این کاستی بزرگ در زبان علم موجود در این متون شده بودند، زبانی که دیگر زبان مخاطبان آن روز جامعه نبود و بخش‌های قابل توجهی از آن دگرگون گردیده بود. به‌روزرسانی زبان متون درسی که به طلاب این مدارس این فرصت را می‌داد که در ارتباط با مردم و جامعه عصر خود گویاتر و مفهوم‌تر سخن بگویند، اقدام بسیار مهم دیگری بود که محوریت بودن الفاظ و واژگان در متون درسی را گرفته و درک مفاهیم را محور قرار می‌داد تا بر شتاب فراگیری فراگیران حوزوی بیافزاید و زمان کارآمدشدن آنها را کوتاه‌تر نماید

سطوح مختلف تحصیلی که نگاشته عالمان اعصار و ادوار پیشین بود و تبعاً برپایه فرهنگ واژگانی روزگار آنان به قلم درآمده بود، زمان فراوانی از اوقات تحصیلی طلاب علوم دینی را برای فهم خود را می‌بلعید و فرصت کمی برای ادراک مفاهیم برای آنان برجا می‌نهاد.

تغییر این متون درسی، به متون درسی روان نشان از این واقعیت می‌داد که آیت‌الله میلانی و همکاران ایشان متوجه این کاستی بزرگ در زبان علم موجود در این متون شده بودند، زبانی که دیگر زبان مخاطبان آن روز جامعه نبود و بخش‌های قابل توجهی از آن دگرگون گردیده بود. به‌روزرسانی زبان متون درسی که به طلاب این مدارس این فرصت را می‌داد که در ارتباط با مردم و جامعه عصر خود گویاتر و مفهوم‌تر سخن بگویند، اقدام بسیار مهم دیگری بود که محوریت‌بودن الفاظ و واژگان در متون درسی را گرفته و درک مفاهیم را محور قرار می‌داد تا بر شتاب فراگیری فراگیران حوزوی بیافزاید و زمان کارآمد شدن آنها را کوتاه‌تر نماید.

۴-۷. اعمال مدیریت پیشرفته علم در نظام

آموزشی حوزه

آنچه با نام تغییر و تحول در نظام آموزشی حوزه آغاز شده بود، در واقع جلوه‌ای از مدیریت بایسته و شایسته علم به تناسب مسایل و نیازها و مسئولیت‌های آینده طلاب علوم دینی در دوره زعامت مرحوم آیت‌الله میلانی در حال وقوع بود. سبک مدیریت علمی که همانند دیگر بخش‌های نهاد

اجتماعی را نیابد و هزینه‌های انجام‌شده برای حضور او را در فضای تحصیل علم به هدر رود. تعیین این ضابطه مهم (زمان‌بندی ادوار تحصیلی) جلوی اتلاف هزینه‌های مادی و معنوی در این مدارس را گرفت.

۲-۷. کیفیت‌سنجی مداوم تحصیلی

تردیدی وجود ندارد که کیفیت برنامه‌های آموزشی هم به لحاظ محتوایی و هم به لحاظ فراگیری نوآموزان در هر یک از مقاطع تحصیلی، تأثیر فراوانی در گسترش واقعی علم در جامعه دارد و فراگیران را در مسئولیت‌های اجتماعی و فرهنگیشان تواناتر می‌سازد. مشروع کردن و مشروط کردن استفاده طلاب از وجوهات شرعیه (سهم امام علیه السلام) به احراز تدین از طریق تحقیقات و کیفیت تحصیل علم با امتحانات منظم فصلی و سالیانه یکی از اقدامات مهم مرحوم آیت‌الله میلانی و برنامه‌ریزان مدارس چهارگانه او بود.

این مهم توانست رسم نامقبول و بی‌ضابطه در هزینه‌کرد وجوهات شرعی به عنوان شهریه طلاب را در این مدارس حذف کند و با ضابطه‌مند کردن هزینه‌کردهای مالی، ابزاری برای تشویق یا تنبیه طلبه‌ها فراهم آورد و امکان کیفیت‌سنجی مداوم وضعیت علمی طلاب را فراهم آورد و تبعاً به ابزاری برای پیشرفت علمی دانش‌آموختگان این مدارس تبدیل شود.

۳-۷. محوریت‌بخشیدن به درک مفاهیم

درسی

تا پیش از این زمان، متون درسی رایج در

علم نمی‌توانست زمانه خود را در نظر نگیرد و مدیریت خود بر علم را بر پایه دیدگاهی ایستا و نامتحرک پیگیری کند.

مدیریت علم بر پایه باغبانی در زمینی نامساعد برای پرورش تک‌درخت‌هایی چند، شاید شبیه‌ترین الگوی مدیریت علم در حوزه

علمیه بود که تا پیش از اقدامات ایشان، مبتنی بر هزینه‌کرد فراوان امکانات برای فراهم‌آوردن زمینه رشد شماری اندک از فراگیران علوم حوزوی در هر دوره تاریخی انجام می‌شد، اما مدیریت علم اجرا شده از سوی آیت‌الله میلانی در مدارس چهارگانه، همانند الگوی باغبانی‌کردن باغبانی بود که می‌کوشید نخست زمین مستعدی برای کشت و کار پیدا کند و سپس امکانات خود را برای آن هزینه نماید تا جنگلی از درختان یا کشتزاری از محصولات را با همان امکانات موجود به دست آورد.

۵-۷. سازماندهی علمی در رقابت بایسته با نظام آموزشی نوین رایج در کشور

به گواه تاریخ، اصل رقابت در همه امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

در یک جامعه، اصل پیش‌راندن برای رشد و توسعه آن جامعه است. هرگاه و به هر

دلیلی این اصل در همه زمینه‌های یادشده مورد غفلت قرار گیرد و کوشش برای از بین بردن آن صورت نپذیرد، راه رشد و پیشرفت در همه عرصه‌های اجتماعی بسته می‌شود و راه انحصارگری در آنها گشوده می‌گردد، و از پس آن عصر افول کوشش‌ها از راه می‌رسد و انحطاط جانشین اعتلا و پیشرفت می‌گردد.

اقدام ویژه آموزشی آیت‌الله میلانی نشان از آگاهی ایشان و همکارانشان از وضعیت سازماندهی‌های تازه مدیریت علم در مراکز آموزشی کشور داشت (که بر پایه تعیین همه جزئیات برنامه‌های درسی از آغاز تا پایان در همه مقاطع تحصیلی طبق ضوابط گوناگونی از جمله زمان‌بندی‌های متعدد که خروجی آن تربیت نسلی آماده به کار در بخش‌های مختلف نظام اداری کشور بر پایه نظام آموزشی غربی بود) که جذابیت فراوانی برای ورود به این مراکز در میان مردم برپا می‌ساخت.^{۱۶} همین آگاهی، ایشان را به رقابتی‌کردن و جذاب‌ساختن نظام آموزشی حوزه برای نسل نوجوان و جوان طلبه نمود و نوسازی برنامه درسی و ساختار پذیرش طلاب علوم دینی در

سپاه دین یا مروّجان مذهبی در مرداد ماه سال ۱۳۴۹ ایجاد و تحت‌نظر سازمان اوقاف سازماندهی شد تا به همراه سپاه دانش - که برای نشر و تبلیغ ایدئولوژی دولت پهلوی فعالیت می‌کرد - بعد از اتمام دوره آموزشی عازم روستاها شوند. این دوره آموزشی شامل گذراندن ۱۶ هفته دوره تخصصی دینی چون خطابه، تاریخ اسلام، نقش ایران در توسعه معارف اسلامی و تشریح اصول و مبانی اسلامی و مذهبی انقلاب سفید بود. سپاهیان دین موظف بودند در محل تبلیغ خویش لباس روحانیت بر تن کنند. سلب یا تضعیف نقش روحانیت سنتی در میان طبقات اجتماعی مختلف مردم یکی دیگر از اهداف عمده آنان بود.

حوزه واداشت.

۶-۷. تقابل با نهاد آموزشی دین دولتی در عصر پهلوی (سپاه دین)

سپاه دین یا مروّجان مذهبی در مرداد ماه سال ۱۳۴۹ ایجاد و تحت نظر سازمان اوقاف سازماندهی شد تا به همراه سپاه دانش - که برای نشر و تبلیغ ایدئولوژی دولت پهلوی فعالیت می‌کرد- بعد از اتمام دوره آموزشی عازم روستاها شوند. این دوره آموزشی شامل گذراندن ۱۶ هفته دوره تخصصی دینی چون خطابه، تاریخ اسلام، نقش ایران در توسعه معارف اسلامی و تشریح اصول و مبانی اسلامی و مذهبی انقلاب سفید بود. سپاهیان دین موظف بودند در محل تبلیغ خویش لباس روحانیت بر تن کنند.^{۱۷}

سلب یا تضعیف نقش روحانیت سنتی در میان طبقات اجتماعی مختلف مردم، یکی دیگر از اهداف عمده آنان بود.^{۱۸} تبعاً در آن شرایط تاریخی تقابل فرهنگ رسمی کشور با روحانیت اقدامات آموزشی آیت‌الله میلانی در موقعیت تقابلی با فرهنگ گسترش دین دولتی در این دوره، اهمیت فراوان داشت و ایشان را از مصادیق روشن حدیث معروف «العالم بدینه لا یهجم علیه اللّوایس»^{۱۹} نشان می‌داد، و به نماد گفتمان فرهنگ اسلامی تبدیل می‌کرد.

۷-۷. به‌روزرسانی منابع انسانی حوزوی

منابع انسانی مهم‌ترین سرمایه هر گفتمان فرهنگی، هر تمدن و هر سازمان است. بدون عنصر انسانی نمی‌توان به

تأثیرگذاری و تاب‌آوری در برابر رخ داده‌های نو (حوادث واقعه) و مدیریت آن پرداخت و طبیعی است که هرچه این سرمایه انسانی از کیفیت بیشتری برخوردار باشد، درجه تأثیرگذاری و تاب‌آوری آن بیشتر خواهد. اقدامات آموزشی آیت‌الله میلانی در اصلاح نظام آموزشی حوزه هم‌زمان با دهه نوسازی نظام آموزشی و پرورشی ایران (دهه چهل تا اوایل دهه ۵۰ که اقداماتی همچون تشکیل وزارت آموزش و پرورش، کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر، تشکیل سپاه دانش و سپاه دین و...) از مصادیق به‌سازی و به‌روزرسانی منابع انسانی حوزه علمیه مشهد به‌شمار می‌آید و نفس این هم‌زمانی میان دو برنامه نوسازی، یکی در نهاد آموزش جدید ایران عصر پهلوی دوم و دیگری در نهاد آموزشی کهن دینی همین سرزمین پاسخی روشن به نیاز زمانه خود بود.

نتیجه

در این پژوهش کوشش شد تا اقدامات مرحوم آیت‌الله میلانی در ایجاد تحول نظام آموزشی حوزه علمیه مشهد، در دو خوانش متفاوت بر پایه دو مکتب تاریخ‌نگاری، یعنی «تاریخ فرهنگ‌نگاری» و «تاریخ فرهنگی‌نگاری» بررسی و نشان داده شود که با دو رویکرد متفاوت تاریخ‌نگارانه می‌توان هر پدیده را در یک بسته خرد ارائه کرد، چنان‌که می‌توان با رویکردی دیگر به سطح یک پدیده کلان آن را ارتقا داد و آن را خوانش

تمدنی نامید و به تبع دو سطح نگرش و دو گروه تحلیل‌های خُرد یا کلان ارائه کرد. نمونه پژوهش‌شده در این متن، «اقدامات مرحوم آیت‌الله میلانی در ساخت مدارس حوزوی با نظام آموزشی جدید» با دو ترازوی سنجش در دو مکتب تاریخ فرهنگ‌نگاری و تاریخ فرهنگی‌نگاری ارزیابی شد و تفاوت آورده‌های دو مکتب مذکور در معرفی اقدامات یادشده ایشان به نمایش گذاشته شد و ظرفیت بسیار بیشتر تاریخ فرهنگی‌نگاری در شناسایی ایده‌ها، ذهنیت‌ها، انگیزه‌ها،

دخالت شرایط زمانی مؤثر بر تصمیم‌سازی در ساخت رخدادهای را در قیاس با مکتب تاریخ فرهنگ‌نگاری از خود نشان داد. این پژوهش می‌تواند تحولی در سبک زیست‌نامه‌نگاری رجال علم و اقدامات آنها به وجود آورد یا دست‌کم نشان دهد که زیست‌نامه بر پایه مکتب تاریخ فرهنگ‌نگاری برای مفهوم‌شدن در علل و عوامل بنیادین خود نیاز به پیوستی نگارشی بر پایه «تاریخ فرهنگی» دارد تا دقیق‌تر مفهوم شود و راه را برای فهم‌های تازه بگشاید.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمدی ملایری، ۱۳۸۱: ۱۴.
۲. احمدی، ۱۳۸۶: ۳۶.
۳. جمشیدی، ناجی، ۱۳۹۵: ۱۴۹-۱۵۴.
۴. باغستانی، ۱۳۹۳: ۴۴۰-۴۳۹.
۵. جمشیدی، ناجی، ۱۳۹۵: ۱۴۹-۱۵۴.
۶. جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۷۰-۲۶۹.
۷. حامدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴۴.
۸. باغستانی، ۱۳۹۳: ۴۳۸-۴۳۷.
۹. مصاحبه‌ها، ۱۳۹۵: ۳۰.
۱۰. حائری یزدی، ۱۳۸۱: ۴۷.
۱۱. روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۰ش، ج ۳۵: ۱۷.
۱۲. مصاحبه‌ها، ۱۳۹۵: ۱۱۷.
۱۳. کدی، نیکی، ۱۳۵۶: ۸۰.
۱۴. جمشیدی، همان: ۱۵-۱۵۴.
۱۵. الهی خراسانی، ۱۳۹۵: ۵۰۴-۵۰۵.
۱۶. بیگدلو، شهیدانی، ۱۳۹۶: ۴۴-۲۵.
۱۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۰/۸/۱، ۴.
۱۸. علوی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۸-۲۰.
۱۹. قزوینی، ۱۳۸۸: ۱-۲۶۷.
۲۰. بیگدلو، شهیدانی، ۱۳۹۶: ۳۵.

۱. احمدی، حسین، «از تاریخ فرهنگ تا تاریخ فرهنگی»، راهبرد فرهنگ، ش ۵۰، ۱۳۹۹، صص ۸۶-۱۱۰.
۲. ایازی، محمدعلی و پویا، حسن، مجموعه مصاحبه‌ها (گفتگو با شاگردان و نزدیکان آیت‌الله العظمی میلانی)، نشر سهل، قم، ۱۳۹۵.
۳. باغستانی، اسماعیل، «حوزه علمیه قم»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴، انتشارات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۳.
۴. بیگدلو، رضا و شهیدانی، شهاب، «تحلیل نوسازی نظام آموزشی ایران در دهه چهل و اوایل دهه پنجاه (با تأکید بر کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر)»، تاریخ ایران، سال ۱۰، ش ۳، ۱۳۹۶، صص ۴۴-۲۵.
۵. جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی ایران، از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، خانه کتاب، نهم، تهران، ۱۳۸۷.
۶. جمشیدی، حسن، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت آیت‌الله العظمی میلانی، ج ۱، نشر سهل، قم، ۱۳۹۵.
۷. حامدی‌نژاد، آرمین و مسجدی‌زاده، نیلوفر، «بررسی استراتژی‌های مبارزه و مقاومت فرهنگی گروه‌های اجتماعی فرودست در برابر سیاست‌های فرهنگی اقتدارگرایانه حکومت پهلوی با تأکید بر مفهوم هراس اخلاقی»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره بیست و چهارم، ش ۱، ۱۳۹۵، صص ۱۲۵-۱۴۷.
۸. حائری یزدی، مهدی، خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی، به کوشش حبیب لاجوردی، نشر نادر، تهران، ۱۳۸۱.
۹. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۰/۸/۱، ص ۴.
۱۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۰/۱/۱۰، ص ۱۷.
۱۱. علوی‌نیا، اشرف‌سادات، «علل وقوع انقلاب اسلامی ایران»، چشم‌انداز ایران، ش ۶۰، ۱۳۸۹، صص ۲-۱۷.
۱۲. قزوینی، خلیل، صافی فی شرح کافی، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۸.
۱۳. کدی، کدی، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی، انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۵۶.
۱۴. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۱.